

در آستانه تحقیق

خامهٔ صنع که اوراق جهان آرآید
خلد را نیز به خیرات حسان آرآید

خیرات حسان

پروین استخری*

چکیده

خیرات حسان تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در سه جلد شامل زندگینامه زنان نامدار مسلمان و آنان که اسلام را درک کرده‌اند اعم از ایرانی، عرب، هندی و ترک و به طور کلی دربارهٔ زنان مشهور جهان اسلام است. اساس تصحیح این کتاب نسخهٔ چاپ سنگی ۱۳۰۴ ه. ق است که زیر نظر اعتمادالسلطنه به طبع رسیده، وی در این کتاب از منابع فراوانی بهره جسته و خود در دیباچه کتاب، به بیان علت وجودی تألیف و منابع مورد استفاده خود می‌پردازد. کتاب بر اساس حروف الفبا از آمنه بنت وهب شروع می‌شود و با یهب الله الحبشیه و تکمله‌ای در خصوص حکایات و نوادر شنیدنی مربوط به زنان شاعر به پایان می‌رسد.

کلید واژه: خیرات حسان، اعتمادالسلطنه، زنان مشهور جهان اسلام.

*. مصحح متون تاریخی.

مدخل

سالها پیش وقتی به دنیای کتاب و کتابداری قدم گذاشتم و با منابع و متونی که میراث غنی فرهنگی بودند آشنا شدم، پیوسته در جستجوی منبعی بودم که درباره زنان باشد. زمانی دیگر در تهیه فهرستی از زنان نام‌آور برای سازمان فرهنگی یونسکو به کتاب خیرات حسان اثر گرانقدر اعتمادالسلطنه برخوردم. آن روزها مطالعه از روی چاپ سنگی برایم کمی دشوار بود و پیوسته آرزو داشتم که این اثر ارزشمند بار دیگر به زیور چاپ به شیوه جدید آراسته شود تا بتوانم بیشتر از این کتاب استفاده ببرم. هر روز در کتابخانه شاهد انتشار آثار و متونی بودم که به دستم می‌رسید، اما از چاپ منقح و جدید خیرات حسان خبری نبود. تا آنکه دانشجوی دانشگاه شدم و تصمیم گرفتم که به عنوان پایان نامه دانشگاهی خود، تصحیح کتاب خیرات حسان را انجام دهم.

با هدایت و راهنمایی استاد بزرگوار جناب دکتر شعبانی به خاطر حجم و سنگینی کار قرار شد که فقط جلد اول را تصحیح کنم و دو مجلد دیگر را پس از دفاع از پایان‌نامه ادامه دهم که از ایشان بار دیگر سپاسگزارم و حال پس از اتمام تصحیح هر سه مجلد، آقای جریزه‌دار مدیریت محترم انتشارات اساطیر چاپ آن را برعهده گرفتند.

پیشینه کار

متأسفانه در گذشته کار مستقل و قابل توجهی درباره شرح حال زنان در ایران صورت نگرفته و جسته و گریخته تذکره‌نویسان بخش پایانی تذکره‌های خود را به زنان شاعره اختصاص داده‌اند و گاه‌گاه در لابلای متون نیز اشاراتی به زنان سلاطین و غیره شده بود. به تازگی کتاب‌های جدیدی در شرح حال زنان نامدار تألیف یا تدوین شده که هر یک درخور توجه و تعمق است و شایسته است که این مهم نیز همچون آثار دیگر بیشتر از گذشته در حوزه تحقیق و پژوهش قرار گیرد.

اما در جهان عرب کار به گونه دیگر بود و چندین منبع همچون اعلام النساء اثر عمر رضا کخّاله و اعلام النساء المؤمنات اثر محمد الحسون و امّ علی مشکور منتشر شده که در تصحیح نیز از این منابع به ویژه زنان جهان عرب و اسلام استفاده شده است و اضافه بر آن در جلد پایانی الاصابه و همچنین در أسدالغابه و الاستیعاب نیز به شرح حال زنان عرب که درک اسلام کرده‌اند پرداخته شده است.

خیرات حسان تألیف محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در ۳ مجلد شامل زندگینامه زنان نامدار مسلمان و آنان که اسلام را درک کرده‌اند اعم از ایرانی، عرب، هندی و ترک و بطور کلی درباره زنان مشهور جهان اسلام است. کتاب از آمنه بنت وهب شروع می‌شود و با یهب الله الحبشیه و یک تکمله در «بعضی حکایات و نوادر از نساء شاعره شنیده شده که صاحبان آن به درستی معلوم نیست. لکن آن نادره و حکایت شنیدنی است، لهذا تکمیل کتاب و مزید فایده و افادت را نگاشته می‌شود.»^۱ به پایان می‌رسد. اعتمادالسلطنه در تألیف این کتاب، از کتاب مشاهیرالنساء فی التاریخ تألیف محمد ذهنی افندی، نویسنده عثمانی (ترک)، تاریخ عضدی تألیف عضدالدوله احمد میرزای قاجار، نقل مجلس محمود میرزای قاجار و تذکره آتشکده آذربیکدلی بهره جسته ولی چنانکه مشاهده می‌شود از منابع معتبر دیگری مانند العقدالفرید،^۲ الاغانی،^۳ مواهب لدینه،^۴ مسامرات،^۵ صحایف الاخبار،^۶ الاصابه^۷ و... استفاده کرده است.

کتاب در ۳ مجلد و به ترتیب حروف الفباست. جلد اول: دیباچه و پس از آن با شرح حال آمنه بنت وهب آغاز و با ریبالعقلیه در ۱۷۱ صفحه پایان می‌یابد. ذیل کتاب از صفحه ۱۵۳-۱۷۱ مشخص شده است. تقویم و سالنامه سال ۱۳۰۴ ه.ق. شامل فهرست اسامی سلاطین قاجار و ولادت و جلوس و مدت سلطنت و رحلت و عمر و مدفن آنان و اولاد و شاهزادگان و طوایف و افواج و تشکیلات دولتی (وزارتخانه‌ها) و لشکری و دارالخلافه طهران و ممالک خارجه در ۶۱ صفحه در انتهای کتاب آمده است. این سالنامه با اندک تغییر که بیانگر تغییرات سالیانه در تشکیلات دیوانی است در دو مجلد دیگر نقل شده و افزون بر آن در پایان آثار چاپی دیگر اعتمادالسلطنه مشاهده می‌شود. سال تألیف کتاب، ۱۳۰۴ ه.ق. در پایان نسخه آمده است. کتابت آن را نیز محمدصادق شمس الکتاب انجام داده است.

مؤلف در دیباچه کتاب، به بیان علت وجودی تألیف و منابع مورد استفاده خود می‌پردازد:

از آن روز مصمم شدم که در حالات نساء مشهوره استقصاء کنم و به استمداد رجال اهل فن طرحی برای این بنا ریزم. از حسن اتفاق در این حال و خلال این خیال، کتاب مشاهیرالنساء از مؤلفات ادیب اریب و بارع لیب محمدذهنی افندی دام افضاله بدست آمد. بحق سبقت ترجمه آن را اساس قرار داده، معلومات خود را با بعضی تصرفات که به نظر فاتر درست می‌آمد، بر آن افزودم و به نگارش احوال خیرات

حسان ابتدا نمودم. چه آنها را با من به وجهی قرابت است و همدینی را با هم دیاری نیز به نحوی صحابت و اگر نامی از غیر مسلمات در این تألیف برده شود به تقریبی است و ذکری که موجب تحییی است و در این نگارش، از مرقومات شاهزاده معظم و آزاده مفخم نواب اشرف والا عضدالدوله العلیه سلطان احمد میرزا ابن خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه قاجار دام اقباله العالی استفاضه کرده امتنان کامل حاصل نمودم... همچنین در پایان دیباچه متذکر می شود که:

پوشیده نباشد که بنا و ترتیب این کتاب در نگارش اسامی نساء مشهوره و تراجم احوال آنها بر حروف تهجی است و همه جا این رعایت بدرستی شده مگر در آمنه بنت وهب که نظر به شرافت مادری حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم او را بر همه زنان مقدم و صدر کتاب قرار داده و ادای حقی نموده است.

اعلان نشر و فروش جلد اول خیرات حسان در نمره ۶۳۸ روزنامه ایران مورخه ۶ محرم ۱۳۰۵ ه.ق. و به قیمت دوازده هزار دینار مندرج است.^۸

پس از انتشار مجلد اول، اعتمادالسلطنه نسخه‌ای از چاپ سنگی را برای ذهنی افندی مؤلف مشاهیر النساء فی التاریخ که کتاب یاد شده به عنوان منبع اصلی مورد استفاده وی بوده ارسال کرد و در ضمن درخواست شرح حال او را برای درج در نامه دانشوران نمود. ذهنی افندی در پاسخ درخواست اعتمادالسلطنه نامه‌ای توأم با امتنان و تعریف و تمجید از کتاب خیرات حسان برای وی فرستاد و در پایان نامه شرح حال خود را اضافه کرد.

اعتمادالسلطنه در آغاز مجلد دوم، متن نامه ذهنی افندی را که به زبان ترکی بود همراه با ترجمه آن به فارسی به چاپ رساند که بیانگر اهمیت و اعتبار خیرات حسان از دید ذهنی افندی است و آن قسمت از نامه که مربوط به کتاب خیرات حسان بوده عیناً نقل می شود:

این بنده بی مقدار نهایت مسرت را حاصل نموده کتاب مستطاب خیرات حسان را فروغ دیده شادمانی قرار داده در موقع افتخار نهاد. کتاب مشاهیر النساء که محقر تألیفی از این بنده می باشد، چون طرف توجه فاضلانۀ شخصی مثل حضرت تعالی که نقاد معانی است شده و به نظر اعتنا و امعان در آن دیده اند، نهایت مسرور گردیده‌ام. چه شرفی از برای صاحبان آثار بزرگتر از این نیست که مسطورات آنها طرف اعتماد و اعتبار صاحبان مقام عالیه و دانشمندان گردد. اگرچه من بنده می بایست از این اثر ناچیز خود در آن محضر شرمنده باشم ولی حضرت تعالی که در حق اهل وطن ایشان لوکان العلم

معلقاً بالثريا لنا له رجال من فارس نصي صريح است کتاب مشاهیر النساء را از بزرگواری به قبول و تمجید خود اختصاص داده و نگارنده آن را زیاده از حد استحقاق و مورد عنایت و ملاحظت فرموده‌اند.

جلد دوم با شرح حال زائری اصفهانی شروع و به شرح حال ظفرخانم ترک ختم می‌شود. تقویم و سالنامه سال ۱۳۰۵ ه.ق. در ۶۱ صفحه شامل فهرست اسامی سلاطین قاجار، مدت سلطنت و عمر، شاهزادگان، تشکیلات دولتی و اداری مملکت و متصدیان مشاغل و ارباب مناصب آمده است.^۹

این جلد در ۲۰۷ صفحه و در سال ۱۳۰۵ ه.ق. به چاپ سنگی رسیده است. نسخه‌ای از آن به شماره ۷۳۱۵=۱۳۴۷ در کتابخانه ملی ملک موجود است.

جلد سوم با سرگذشت حضرت فاطمه دختر پیامبر اسلام (ص) آغاز و با مبحث تکمله در بعضی حکایات و نوادر که از زنان شاعر در منابع مختلف اعم از ادبی، تاریخی و... آمده را برگزیده و در ۳۸ صفحه همراه با نمونه‌های شعری که عمدتاً عربی است نقل کرده و سپس با سرگذشت فاطمه سلطان خانم دختر حاج میرزا حسین نواده قائم مقام فراهانی و مریم خانم دختر میرزا ابوالقاسم فراهانی به پایان می‌رسد. انجامه چاپ سنگی با عبارت «تمام شد کتاب مستطاب خیرات حسان باليمن و السعادة امید که مطالعه کنندگان از قرائت آن مستفید و مستفیض گردند و دوام عمر جناب جلالتماب مؤلف معظم این کتاب را مسئلت نمایند که به مؤلفات جلیله دیگر فایز شوند».

عبارت فوق طبیعی است که از کاتب چاپ سنگی شمس الکتاب است که آرزوی تألیف و تدوین آثار ارزنده دیگری از مؤلف را خواهان است. جلد سوم با تقویم و سالنامه ۱۳۰۷ ه.ق. در انتهای کتاب آمده به پایان می‌رسد.

شایان توجه است که کتابت هر سه جلد را محمد صادق شمس الکتاب را انجام داده است.

اعتمادالسلطنه شرح حال زنان نامدار جهان اسلام را اعم از ایرانی، هندی، ترک و حبشی و... را براساس حروف الفبا گردآوری کرده است. زندگینامه‌های غیرایرانی را از کتاب مشاهیرالنساء محمد ذهنی افندی نویسنده ترک ترجمه، و سرگذشت‌های ایرانی را از کتاب تاریخ عضدی احمد میرزای قاجار، نقل مجلس محمود میرزای قاجار و تذکره آشکده آذربایگدلی نقل کرده است. باید گفت که تاریخ عضدی، شرح زندگی زنان فتحعلی شاه را بیان می‌کند و نقل مجلس محمود میرزای قاجار فرزند فتحعلی شاه در ۴ مجلس نوشته

شده است: مجلس اول شاهزادگان، مجلس دوم پردگیان حرمسرای شهنشاہ عالم پناه (فتحعلی شاه)، مجلس سوم شعرای نسوان بلاد ایران زمین و مجلس آخر شعرای نسوان که در روزگار سلف بودند و در مجموع شرح حال ۳۲ زن شاعر را در بردارد.^{۱۰}

مجلدات سه‌گانه خیرات حسان شامل سرگذشت زنان عصر جاهلیت (که اسلام را درک کرده‌اند) و اسلام، صحابه و راویان حدیث، نویسندگان، شاعر و نیز زنان مشهور دیگر مانند زنان فرمانروا و سیاستمدار، منجم، هنرمند، طبیب و... است که خود یکی از نقاط مثبت کتاب بشمار می‌آید و نشان دهنده وسعت و قوت فکر نویسنده است. البته چنانکه مشاهده می‌شود تنها شهرت به خوشنامی، سبب ذکر شرح حال زنان نشده است و در پاره‌ای موارد، به سرگذشت زنان دیگر نیز پرداخته شده است. بدین معنی که کتاب فقط به شرح مفاخر زنان فرهنگی، تاریخی، ادبی و سیاسی بسنده نکرده است و تقریباً به زنان از طبقات دیگر نیز اشاره می‌کند.

اعتمادالسلطنه در جاهائی که از بعضی منابع مانند عقدالفرید، مسامرات، تاریخ عضدی و... نقل قول می‌کند، متأسفانه ارجاع روشن و درستی مانند صفحه شمار بدست نمی‌دهد.

سرگذشت نامه‌ها از نظر کوتاهی و بلندی تناسب یکسانی ندارند. یعنی بسته به دلخواه مؤلف و یا در دسترس بودن یا نبودن منابع، کوتاه یا بلند هستند. کمبود سرگذشت نامه‌های زنان اساطیری و زنان ایران باستان از جنبه‌های ضعف کتاب بشمار می‌رود. چه، در ایران باستان، زنان نامدار، فراوان داشته‌ایم. و نیز سرگذشت بعضی را مکرر و با اسامی مختلف در ذیل حروف مختلف الفبا آورده است که تا حد امکان سعی شده است که هر مدخل به مدخل مکرر ارجاع داده شود.

ذکر نمونه‌ای از ابیات و امثال و اصطلاحات در پاره‌ای از سرگذشت نامه‌ها به مطالب کتاب ارزش والاتری بخشیده است.

در پایان اضافه می‌کند که ارزش فرهنگی و تاریخی کتاب خیرات حسان، از آن رو که به شرح حال زنان و ذکر احوال و آثار آنها می‌پردازد، گوشه‌هایی از تاریخ ایران و اسلام را همان گونه که خود در دیباچه متذکر می‌شود: «... که در این جهان زنان بوده‌اند که در زیر مقنعه کله داریها نموده‌اند، لشکر شکسته‌اند، کشور گرفته‌اند، صدکار کرده‌اند، صد راه رفته‌اند...» روشن می‌سازد.

نسخه‌ اساس و شیوه تصحیح

نسخه‌ اساس تصحیح، نسخه‌ چاپ سنگی چاپ ۱۳۰۴، ۱۳۰۵ و ۱۳۰۷ ه.ق. است که زیر نظر خود اعتمادالسلطنه به طبع رسیده و در حکم نسخه‌ خطی است که برای مؤلف تحریر کرده باشند. زیرا نسخه‌ حاضر وقتی برای چاپ تحریر شد، به رؤیت مؤلف رسید. و آنچه که به صورت ذیل آمده و بویژه شرح حال‌هایی که در حاشیه‌ نسخه‌ برای چاپ نوشته شده است، مؤید این مقال است. بنابراین از پرداختن به نسخه بدل، پرهیز شد و در عوض برای تصحیح، از منابعی که مؤلف استفاده کرده در مرحله اول و همچنین منابعی که در جهان عرب بعد از تألیف کتاب حاضر، تألیف و تدوین شده و یا از منابع و متونی که احتمالاً مؤلف نیز سودجسته، استفاده شده است و تصحیح حاضر در حقیقت، تصحیحی است قیاسی مبتنی بر منابع و متون.

در تصحیح حاضر، سعی بر آن بوده است که رعایت رسم‌الخط رایج و متداول امروزی شده باشد. بنابراین حرف «ب» بر سر اسامی خاص، عام، ضمیر و... جدا، ولی بر سر فعل و قید، متصل بیاید. حرف «می» و «نمی» بر سر فعل به صورت منفصل و کلمات ترکیبی تا جایی که به اصل واژه خدش‌های وارد نکند، منفصل شده و در غیر این صورت به صورت متصل آمده است. همچنین واژه‌های ترکیبی که از دو واژه مستقل به صورت اسم خاص و اسم عام آمده بود منفصل شده است. واژه‌های جمع، که با «ها» پیوسته بود هر جا که «هاء ملفوظ» در آخر داشت، منفصل و در بقیه موارد به صورت متصل نگاه داشته شده است و این همه به خاطر رعایت رسم‌الخط رایج و سهولت مطالعه صورت گرفته است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که در حد بضاعت با استفاده از منابع، اسامی دور از ذهن برای سهولت تلفظ، اعراب گذاری شده است. و نیز، اضافه بر منابعی که مورد استفاده مؤلف بوده با منابع دیگر تطبیق داده شده است.

در ضمن، برای آنکه مطالب هر مدخل، آسانتر باشد و اگر در مدخلی، یادی یا مطلبی از مدخل دیگر شده بود، از آن مدخل به مدخل اصلی نیز ارجاع داده شده است. همچنین در تصحیح مشخص شد که برخی از شخصیت‌های مندرج در رساله، جزء زنان نبوده و به قول استاد گلچین معانی شاعرانی بودند که شاعره شناخته شدند مانند حاکمی، حجابی گلپایگانی، عصمت بخارائی، کوب خراسانی و در حاشیه بدان اشاره شده است.

دشواری و مشکلات تصحیح

شیوه تصحیح اساساً با شیوه تحقیق تفاوت فاحشی دارد. در تحقیق، پژوهشگر پس از شناخته شدن موضوع پژوهش، با مطرح کردن فرضیه و بیان مسأله، بدرستی می‌داند به دنبال چیست. اما در تصحیح، روش به گونه دیگری است، چه مصحح با متن نوشته شده‌ای روبروست و ناگزیر به وفاداری به متن، توجه به نسخه بدل، یافتن اقدم نسخ و گاه دستیابی به نسخه مؤلف و یا نسخه‌ای که به رؤیت مؤلف رسیده یا برای او خوانده شده است باید باشد. پس از آن ناگزیر به مقابله متون، یافتن منابع و مراجع مورد استفاده مؤلف، در پی صحت و سقم نوشته مؤلف و مقابله و مقایسه آن با منابع متونی دیگر باید باشد.

منحصر بودن نسخه اساس تصحیح، گاه مصحح را بی‌نیاز از نسخه بدل می‌کند که در آن صورت ممکن است دچار بدخوانی و یا غلط خوانی شود و خطوط کج و معوج، آشفتنگی در تنظیم صفحات نسخه به هنگام مرمت، خود حدیث دیگری است و اگر این نسخه، چاپ سنگی و منحصر باشد، تازه آن هم با ریختگی حروف، جابجائی نقطه‌ها و تشابه حروفی همچون «د، و، ر» معضل دیگری است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. اعتمادالسلطنه، خیرات حسان، ج ۳، چاپ سنگی، ۱۳۰۷ هـ، ص ۱۵۵.
۲. همان ۱۳۶، ۱۶۷.
۳. همان ۱۱۷، ۱۳۱.
۴. همان ۳۲.
۵. همان ۲۰، ۱۱۶.
۶. همان ۶۹، ۱۳۲.
۷. همان ۶۵.
۸. روزنامه ایران، نمره ۶۳۸، ج ۳، ۱۳۰۵ هـ.ق. ۲۵۷۲.
۹. اعتمادالسلطنه، خیرات حسان، ج ۲ (تهران: دارالطباعة دولتی، ۱۳۰۵ هـ.ق.) مقدمه کتاب.
۱۰. اخیراً به عنوان ضمیمه شماره ۶ فصلنامه آینه میراث (۱۳۸۵) به کوشش دکتر محمدرضا نصیری و نادره جلالی به چاپ رسیده است.